فرمايشات رهبري در تبيين آسيب‌هاي حوزه

25 مرداد 1394

در جلسه پيش بنا شد يكي از شاخص‌هاي اولويت‌گذاري مسائل تأكيدات مقام معظم رهبري باشد. از اين رو، آسيب‌هاي استخراج شده از فرمايشات ايشان به صورت مستقل تقديم مي‌گردد، تا در اولويت‌گذاري مورد استفاده قرار بگيرد.

منابع: ➊ ديدار با طلاب قم سال 1389، ➋ ديدار با فضلا و نخبگان قم سال 1389، ➌ دو ديدار با اعضاي جامعه مدرسين در سال 1389 و ➍ نه ديدار با اعضاي شوراي عالي حوزه در سال‌هاي 1372، 1375، 1376، 1377، 1379، 1380، 1383، 1387 و 1389.

# موضوع سياست‌گذاري و برنامه‌ريزي

* 1. نياز حوزه به سند چشم‏انداز
		1. دشواري تنظيم سند چشم‏انداز براي حوزه
		2. وابستگي برنامه‏ريزي به داشتن سند چشم‏انداز
		3. عدم امكان فعاليت حوزه در خلأ برنامه
		4. عدم امكان آماده‏سازي براي آينده بدون چشم‏انداز
	2. كم بودن كميّت در حوزه
		1. عدم كفايت فراخوان عمومي براي جذب در حوزه
	3. تنظيم سند چشم‏انداز يا بيانيه مأموريت براي حوزه
		1. فراهم نمودن مقدمات تنظيم سند چشم‏انداز
		2. تعيين هدف‌هاي مقطعي بر اساس سند چشم‏انداز
		3. تنظيم برنامه‌هاي زمان‏بندي شده بر اساس سند چشم‏انداز
		4. امكان تعيين اولويت‌هاي علوم حوزوي با داشتن چشم‏انداز
	4. ضرورت برنامه‏ريزي كنوني در نبود سند چشم‏انداز
		1. ناظر به واقعيات بودن برنامه‏ريزي‌ها
		2. قابل تحقق بودن برنامه‏ريزي در عمل
		3. برنامه‏ريزي در دو سطح بلندمدت و كوتاه‏مدت
		4. گزينش آرزوهاي قابل تحقق براي حوزه در برنامه‏ريزي
		5. توكل به خدا و ايمان به غيب تنها روش قابل محاسبه و اتكا در برنامه‏ريزي
		6. كنار گذاشتن آرزوهاي غيرقابل تحقق در شرايط كنوني حوزه
	5. پرهيز از تضعيف شوراي عالي و مديريت حوزه
	6. مغتنم بودن جامعه مدرسين و پرهيز از تضعيف آن
	7. ضرورت استفاده از شيوه‌هاي گوناگون جذب
		1. مثال: استعداديابي، علاقه‌يابي و داشتن آمادگي
	8. پرهيز از فربه شدن تشكيلات مديريت حوزه
		1. تنبل شدن تشكيلات‌هاي فربه
		2. چابك بودن تشكيلات‌هاي كوچك
	9. تقسيم نيروها به دو بخش پيوسته و وابسته
		1. تعريف اعضاي وابسته به نيروهاي مرتبط ولي بدون ارتباط دائمي
	10. استفاده از فكر فضلاي جوان در مديريت حوزه
	11. آماده‏سازي حوزه براي آينده‌اي كه در انتظار بشريت است
		1. قابل حدس بودن آينده
		2. آماده بودن روحانيون شيعه براي آينده
	12. تنظيم نظام جامع آموزشي، پژوهشي و تبليغي در حوزه
	13. تلاش براي افزايش ارتباط با مراجع
	14. عدم اجبار براي تحت مديريت حوزه قم آوردن حوزه‌هاي درجه يك كشور
	15. نداشتن حوزه يا داشتن حوزه‌اي رو به انحطاط در صورت راضي بودن به وضع موجود
	16. احتمال وجود نداشتن حوزه قم با همين عرض و طول در آينده در صورت عدم پيش‏بيني آينده
	17. شتاب بيشتر علوم بشري در آينده نسبت به رشد علم در عصر حاضر
	18. شباهت نداشتن دنياي آينده با دنياي امروز از لحاظ امكان اثرگذاري، تسخير دل‌ها و سرزمين‌ها
	19. عدم امكان انجام وظايف حوزه بدون نظم، تقسيم‏بندي، تقسيم كار، كوتاه‌كردن راه‌ها و زدن زوائد
	20. عدم امكان بنا كردن چيزي بدون داشتن تشكيلات
	21. ناممكن بودن استفاده مردم از داشته‌هاي حوزه به دليل عدم نظم و ترتيب در آن
	22. غيرممكن بودن اصلاح حوزه بدون برنامه‏ريزي و مديريت
	23. هدر رفتن امكانات حوزه و به طور عمده؛ نيروهاي انساني حوزه؛ اساتيد و طلاّب
		1. اشتغال به مباحث زائد، بي‌فايده و غيرناظر به نيازها
	24. دچار روزمرگي شدن حوزه در صورت عدم وجود برنامه
	25. دور شدن از اهداف حوزه در صورت روزمرگي در مديريت حوزه
	26. ترسيم نشدن دقيق و مشخص حوزه مطلوب سبب بروز كوتاهي‌هاي امروز در حوزه
	27. كند بودن حركت رو به رشد حوزه در صورت عدم وجود ايده‌آل‌ها
	28. پاشيده شدن تشكيلات حوزه در صورت عدم تبيين هدف و برنامه‏ريزي در راستاي آن
	29. عدم تحقق طرح‌ها در عمل در صورت قصور يا تقصير مجري و يا عيب در طرح
	30. تمركز مديريت در قم علت ناتواني از خون‌رساني سر وقت به اجزاي اين اندام عظيم
		1. يكي بودن برنامه‌ها، معيارها و نتايج در صورت تمركز مديريت
	31. ناتواني در ارائه گزارش فعاليت‌هاي در حال انجام حوزه به دليل فقدان برنامه‏ريزي
	32. اهتمام به درس و بحث مانع بر عهده گرفتن امور مديريتي حوزه توسط فضلا
	33. سامان نگرفتن امور بدون وجود مديريت
	34. محروميت مديريت از حركت سالم و منطقي در صورت پيروي از سليقه‌هاي مختلف و متضاد
	35. اشتباه ميان «خدمات‌رساني» و «پژوهش» و مشغول بودن بيشتر مراكز حوزوي به خدمات
	36. اسراف در انجام فعاليت‌هاي موازي در مراكز پژوهشي حوزوي
	37. تعيين آينده حوزه توسط اركان حوزه؛ مديران، صاحب نظران، اساتيد و برجستگان
	38. نهادينه كردن تفكر آينده‏نگري در حوزه
	39. راضي نشدن و عدم قناعت به وضع فعلي حوزه
	40. توقعات از حوزه علميه با نگاه به فضاي اسلامي كشور
		1. مرجعيّت و افتاء
		2. تربيت مدرس
		3. تحقيق و تأليف در مسائل علمي
		4. قضاء
		5. تبليغ در سطح وسيع و به شيوه مطلوب و مدرن
	41. ايجاد گروه‌هاي متخصص و متمحض در برنامه‏ريزي علمي
	42. داشتن دستگاه برنامه‏ريزي مداوم در حوزه
	43. علاج حوزه: ايجاد نظم و ترتيب در داشته‌هاي حوزه براي ايجاد امكان استفاده مردم از اين داشته‌ها
		1. مثال: انباري پر از مواد ذي‌قيمت و مورد نياز مردم، منتها بدون نظم و ترتيب
	44. توجه به برنامه‏ريزي و مديريت به عنوان دو ركن در اصلاح ساختار حوزه
	45. تشکيل شوراي عالي سياست‌گذاري حوزه براي ارتقاي کارآمدي حوزه
		1. متشكل از علما و مدرسان عالي‌مقام
		2. تعيين مديري از علماي برجسته، انقلابي و بصير
	46. ضرورت اختصاص نيروهاي انساني حوزه در جهت برآورده كردن نيازها و حاجات جامعه
	47. گامهاي تحقّق برنامه‏ريزي و نظام مديريت مطلوب
		1. ترسيم شكل مطلوب حوزه
		2. جستجوي ملزومات دستيابي به آن شكل مطلوب
		3. تبيين ملزومات دستيابي به آن
		4. ريختن اين ملزومات در قالب يك برنامه كمّي
		5. انجام دادن و اجرايي كردن برنامه
	48. توجه به قطعي و قهري بودن نياز به برنامه‏ريزي به شكل فوق
	49. اختصاص گروهي براي ترسيم و تصويب دقيق وضع مطلوب و ايده‌آل حوزه و اهداف آن
	50. ترسيم ايده‌آل‌هاي دست‌نيافتني براي ايجاد شور و شوق در حركت رو به رشد حوزه
		1. نياز به قهرمان براي تحقق سازندگي شخصي
		2. مثال: فلسفه وجود امام معصوم(ع) در تفكرات كلامي ما
	51. ترسيم چشم‏انداز بلندمدت بيست يا سي ساله
	52. برنامه‏ريزي‌هاي پنج، چهار،‌ سه يا حتي يك ساله در دل چشم‏انداز بلندمدت
	53. كمّي شدن برنامه‌ها براي گنجاندن آن‏چه در طرح كلّي مشخص شده در قالب برنامه‌هاي ريز
	54. فرهنگ‏سازي و تبديل به نياز عمومي شدن مطلوبيّت‌هاي حوزه براي وادار شدن مسئولان به پي‌گيري
	55. توجه به واقعيات جامعه در تنظيم طرح‌ها و برنامه‌هاي حوزه براي عملي بودن اجراي آن‏ها
	56. توجه به كيفيت خروجي طرح‌ها براي قضاوت در توفيق آن‏ها
	57. توسعه آمارگيري در حوزه
		1. نبود آمار درست و كامل از حوزه
		2. نبود آمار درست و كامل از مجموعه روحانيت در كشور
			1. تعداد روحانيون در كشور
			2. حدود تحصيلي آن‏ها
			3. ميزان فضل آن‏ها
			4. توانايي تبليغي آن‏ها
			5. ميزان تأثيرگذاري در محيط اطراف
		3. تسريع در شروع آمارگيري علي‌رغم طول كشيدن آن تا سال‌ها براي رسيدن به نتيجه
		4. ايجاد نظام ارزشيابي براي تحقق آمارگيري
	58. ضرورت رصد، نظارت و پي‏گيري برنامه‌ها تا دستيابي به خروجي مورد نظر
	59. تلاش براي امروزي كردن جريان كار در حوزه علميه
	60. تأسيس شوراي عالي سياست‏گذاري امور حوزه
		1. متشكل از دوازده يا پانزده نفر از فضلاي طراز اول حوزه
		2. تشكيل هفته‌اي يك يا دو بار جلسه براي تبادل نظر در سياست‏گذاري مسائل حوزه
		3. تعيين خطوط اصلي بدون ورود به جزئيّات اجرايي
		4. داشتن يك دبير فعّال براي روان كردن برنامه‌ها
		5. انتخاب مدير قوي براي حوزه توسط اين شورا و حمايت از او
	61. تفکيک مسئوليتهاي حوزه‌هاي بزرگ از مرکز مديريت حوزه
	62. تأمين محاسن تمرکز در مديريت حوزه‌هاي علميه کشور در عين پرهيز از معايب آن
	63. سياست‏گذاري در تعيين گستره فعاليت تشكّل‌هاي صنفي حوزوي
	64. سياست‏گذاري فعاليت مطبوعات ادواري داخل حوزه
	65. برنامه‏ريزي براي ساماندهي ورزش طلاّب
		1. وادار كردن طلاّب به ورزش
		2. ايجاد اطمينان و اعتماد به نفس
		3. بيرون آوردن از حالت خمود و ركود
		4. صرف بخشي از نشاط جواني در مسيري معقول و صحيح
	66. در جريان نگهداشتن شخصيت‌هاي برجسته حوزه نسبت به اتفاقات بزرگ كشور
	67. اولويت داشتن در دست گرفتن مديريت حوزه توسط يكي از مراجع معظم
	68. نظام مديريت در حوزه اوجب واجبات است. شوراي محترم مديريت و فضلاي عالي مقام، با وجود درس‌هاي خارج، تحقيقات علمي و شاگرد طلبه معلوم است که نمي‌رسند! اداره چنين تشکيلات به اين عظمتي، کار يک شوراي مديريت نيست؛ اين، يک نظام مديريتي مي‌خواهد.
	69. نياز حوزه به مديريتي مورد حمايت بزرگان حوزه، مراجع معظم، فضلا و جامعه مدرسين
	70. نياز به اشخاص فارغ‌البال براي پذيرفتن مسئوليت معاونت‌ها و تشكيلات مديريت حوزه
	71. عدم دخالت شوراي سياست‏گذاري در فعاليت‌هاي مديريت اجرايي حوزه
		1. ارائه تدبير كلّي و خط و مشي از سوي شورا و مختار بودن مدير در جزئيّات اجرايي
	72. نياز حوزه به تشكيلات مركزي مديريتي انديشمند، با نفوذ و مطاع
	73. عدم ايجاد هرج و مرج و عدم اجبار مديريت حوزه به پيروي از سليقه‌هاي مختلف و گاه متضاد
	74. تقويت تشكيلات مديريت با عمق دادن و كيفيت به آن
		1. صريح و روشن بودن وظايف تشكيلات
		2. نياز تشكيلات به يك مجموعه فكركننده كه فقط فكر كنند
	75. ضرورت فراغت پيدا كردن مديران و كادر اجرايي مديريت از درس در سال‌هاي مسئوليت
		1. ضرورت واگذاري مسئوليت در صورت ممانعت اشتغالات ديگر از امور مديريت
	76. ايجاد جرأت علمي در نسل جوان طلاّب با نشر آثار آن‏ها در مجلات حوزوي
	77. اولويت‌هاي فعاليت مديريت حوزه
		1. طبقه‌بندي مراحل تحصيلي طلاب در قم
		2. تعيين رشته‌هاي اختصاصي و مواد درسي آن
		3. تهيه کتب درسي مناسب و در صورت امکان، تغيير در کتب درسي کنوني
		4. تعيين مدارسي براي رشته‌هاي خاصّ در حوزه
		5. تعيين مدارس ويژه تربيت افرادي جهت اشتغال در مشاغل خاص
		6. تعيين پايان‌نامه‌ها و گواهي‌هاي مخصوص حوزه علميه براي درجات مختلف علمي
		7. شناسايي استعدادهاي برجسته براي تحقيق يا تحصيل ‌و تهيه امکانات براي پرورش آن‌ها
		8. رسيدگي به وضع معيشتي طلاب از قبيل مسکن و مدرس و بيمارستان و غيره
		9. تدوين مقرراتي براي کيفيت زيست عمومي طلاب
		10. فراهم آوردن حوزه‌هاي درس اخلاق
		11. ترويج معنويت و سلوک روحاني و روحيه زهد، عفاف و ساده‌زيستي در حوزه
		12. تأسيس و حمايت از واحدهاي علمي با گرايش‌هاي نو و ابتکاري
		13. تشکيل مدارس ويژه تربيت مبلغ و مدرس براي داخل و خارج از کشور
	78. تأسيس دفتر طرح و برنامه دائمي براي ارائه نيازهاي تشكيلاتي مديريت
	79. طراحي چارت تشكيلاتي مديريت حوزه توسط يك گروه خوش‌فكر و با برگزاري يك سمينار
		1. معاونت تبليغ و نيروي انساني
			1. تربيت مبلغ براي داخل و خارج کشور
			2. تأمين مبلغان ثابت يا فصلي براي مناطق گوناگون کشور
		2. معاونت آموزش
			1. اداره مدارس تحت برنامه و مدارس تخصصي
			2. برنامه‌ريزي براي آموزش
			3. تهيه متون آموزشي
			4. اعطاي گواهي و مدارك تحصيلي
			5. مديريت پايان‌نامه‌هاي طلاّب
		3. معاونت تحقيقات و مطالعات
			1. تربيت محقّق
			2. نظارت بر رساله‌هاي تحقيقي
			3. انتشار مجلات علمي در حوزه
		4. معاونت پرورشي
			1. مشاوره‌هاي اخلاقي و تربيتي
			2. دروس و برنامه‌هاي تربيتي
			3. کشف و هدايت استعدادهاي درخشان
		5. معاونت گزينش و آمار
			1. ارائه ملاک گزينش و گزينش طلاّب براي ورود به حوزه
			2. نظارت بر گروه‌هاي مختلف اجتماعي در حوزه
			3. توجه به مسائل امنيتي و حقوقي حوزه
			4. برگزاري امتحانات ورودي در حوزه
			5. سامان‌دهي مسأله نظام وظيفه
			6. تنظيم و ارائه آمارهاي مورد نياز در حوزه
		6. معاونت امور شهرستان‌ها
		7. معاونت اداري و پشتيباني
		8. معاونت رفاه و خدمات
	80. تأسيس شوراي برنامه‏ريزي ‌آشنا به علم برنامه‏ريزي براي هم‌خوان شدن برنامه‌ها با هم
	81. شناسايي نيروي انساني مناسب براي تصدّي امور سياسي، علمي، اخلاقي، تشكيلاتي و حكومتي
	82. انتشار مجله‌اي براي انعكاس نظرات مركز مديريت حوزه
	83. برنامه‏ريزي و تعيين تعداد خروجي حوزه در هر رشته، در دوره‌هاي زماني مشخص
	84. آوردن سرمايه‌هاي حوزه به بازار فكر از طريق برنامه‏ريزي
	85. انتخاب و پرداخت مالي به تعدادي طلبه فاضل براي پاسخگويي به شبهات از طريق روزنامه‌ها
	86. شناخت زمينه‌هاي ايجاد شبهه و برنامه‏ريزي براي پاسخگويي به شبهه پيش از طرح
	87. برنامه‏ريزي براي هماهنگ كردن پژوهش‌هاي پراكنده طلاّب در مراكز تحقيقاتي مختلف حوزه
		1. مكمّل شدن پژوهش‌ها براي دستيابي به يك منظومه كامل
		2. به هدف رصد كردن هجوم فكري دشمن و مقابله با اين هجوم
		3. مشورت كردن طلبه با مديريت حوزه پيش از پژوهش و پذيرفتن الزامي توصيه مديريت
		4. نتيجه: ايجاد يك نگاه كلّي به برنامه و كار تحقيق در حوزه
		5. نتيجه: وارد نشدن كارهاي تكراري، بيهوده و بي‌فايده به جريان تحقيقات حوزه

# موضوع تحوّل و مديريت آن در حوزه

* 1. قهري و حتمي بودن تحوّل
	2. انحرافات تحوّل
		1. تغيير خطوط اصلي حوزه‌ها در اجتهاد
		2. رهاكردن شيوه‌هاي سنّتي تعليم و تربيت
	3. عدم امكان مديريت تحوّل در حوزه بدون وجود يك مديريت منسجم
		1. اجتناب‌ناپذير بودن مديريت حوزه به وسيله يك گروه متمركز مورد تأييد مراجع
	4. حفظ اجتهاد رايج به عنوان قوي‌ترين و منطقي‌ترين شيوه اجتهاد
		1. عدم تكيه به ظنون غيرمعتبره در اجتهاد
			1. مثال: فتوا به حرمت تلاش صلح‌آميز هسته‌اي براي رفع سوءظن قدرت‌هاي بزرگ
	5. عدم تبديل شيوه‌هاي سنّتي آموزشي حوزه به شيوه‌هاي رايج دانشگاهي
		1. مثال: انتخاب آزادانه استاد
		2. مثال: فكر و دقت كردن به جاي حفظ كردن
		3. مثال: پيش‌مطالعه طلبه قبل از حضور در درس
		4. مثال: مباحثه با هم‌درس پس از درس
		5. مثال: تقرير بحث استاد بعد از او (در نجف)
		6. مثال: احترام به استاد و تواضع شاگرد در مقابل استاد
		7. مثال: گوش كردن استاد به حرف شاگرد
		8. مثال: گعده علمي و نشست تحقيقي بين طلاّب
	6. شاخص‌هاي تحوّل مثبت
		1. تقويت اجتهاد با همان شيوه صحيح متّكي بر كتاب و سنّت
		2. عدم اختصاص اجتهاد به فقه و ضرورت تقويت آن در علوم عقلي، فلسفه و كلام
		3. حضور حوزه در صحنه‌هاي متعدّد فلسفي، فقهي و كلامي در دنيا؛ نه غايب، نه منفعل
		4. قوي، منطقي و قانع‌كننده بودن پاسخ‌ها
		5. انطباق فعاليت‌هاي علمي با نيازهاي مردم
		6. پرهيز از فعاليت‌هايي كه مورد نياز مردم نبوده و زياد هم كار شده
		7. ارتقاء نظام رفتاري و اخلاقي حوزه
			1. تكريم مراجع تقليد و اساتيد و عناصر فاضل
	7. ايجاد يك مديريت منسجم مورد تأييد مراجع در حوزه براي مديريت تحوّل
	8. عقب ماندن طبيعي حوزه‌هاي علميه از زمان، در برهه معاصر
		1. پيدايش انقلاب و سرعت تحوّلات ناشي از پيدايش آن سبب عقب ماندن حوزه‌ها
		2. مثال: دو نفر سوار بر اسب؛ يکي با اسبي تندروتر و جلوتر. آن که اسب کندرو دارد به اتومبيل دست پيدا مي‌کند. طبيعي است آن که اسب تندرو دارد به گرد او هم نمي‌رسد! الآن وضعيت اين‌گونه است.
	9. ناتواني حوزه از پاسخ دادن به نيازهاي امروز بشريت، علي‌رغم توانايي فقه پيچيده شيعه
	10. ناكافي بودن روال جاري و موجود حوزه‌هاي علميه براي پاسخ دادن به نيازها
	11. ناممكن بودن اصلاح حوزه به وسيله افرادي غيرروحاني
	12. دو طرف داشتن تحوّل؛ در جهت صحيح يا در جهت غلط
	13. نپذيرفتن تحول، موجب انزواي اجتماعي حوزه
	14. دور شدن حوزه ها از پيشرفتهاي جديد علمي
		1. همين علوم قبلاً در حوزه‌ها تعليم و تعلم مي‌شد
		2. غربي‌ها متصدي دانش طبيعي شده بودند
			1. نگاه بدبيني علماي دين به علمي که توسط دشمنان دين ترويج شود
		3. دشمنان حاضر نبودند علم را به حوزه راه دهند
			1. در همه عالم و از جمله کشورهاي اسلامي علم ابزار سياست‌هاي ضد دين بود
	15. دور ماندن حوزه از تحوّلات زمانه و مسائل زندگي
		1. محدود و محصور كردن علماي دين به مسائل ذهني ديني
		2. بي خبر نگهداشتن علماي دين از تحوّلات دنياي خارج
		3. از بين رفتن روح تحوّل‌گرايي در حوزه‌هاي علميه
			1. هميشگي تحقق تحوّل در استنباط دين و فقه اسلام در تحوّلات عظيم جهاني گذشته
	16. خيلي کند و بطيء بودن تحوّل حوزه و ناسازگاري با ضرورت و اقتضاء
	17. امواج فقه، فلسفه، کلام، حقوق و حتّي اخلاق دنيا را فرا گرفته و ما با زمان خيلي فاصله داريم
	18. عدم استفاده بهينه از ظرفيتهاي حوزه علميه
	19. ايجاد تحوّل در حوزه براي پاسخگو شدن نسبت به انتظارات
		1. تدوين و تنقيح قوانين مورد نياز نظام
		2. تکفّل مسئوليت‌هاي حوزوي
		3. تدوين نگرش انقلاب اسلامي
		4. مقابله با تهاجم فرهنگي
	20. حوزه مطلوب: قادر به گسترش هدايت الهي در همه‌جا و رساندن علم دين به سطحي که قادر باشد همه گره‌هاي ذهني و عملي بشر را در دنياي پيچيده امروز، با سر انگشت گره‌گشاي دين خدا باز کند.
	21. ترسيم آينده حوزه براي آگاهي روحانيت از جايگاه خود به عنوان سازمان انجام کارهاي نبّي‌اکرم(ص)
	22. اصلاح حوزه وظيفه تمام گروه‌هاي حوزي است؛ از مراجع و مدرسان تا طلاّب به حسب توان
	23. اصلاح حوزه بر عهده: اول بزرگان حوزه، دوم فضلاي جوان حوزه و سوّم دستگاه مديريت حوزه
	24. ضرورت حفظ، ترميم و بالندگي ميراث حوزه
		1. توقف به معناي عقب‌گرد است، پس حفظ كردن ميراث حوزه كافي نيست
	25. ترميم در حوزه: جايگزين كردن ثلمه حاصل از فقدان‌ها
		1. جايگزين كردن نيروي انساني جديد به جاي گذشتگان
		2. جايگزين كردن مفاهيم علمي جديد به جاي مفاهيم مندرس و كهنه
		3. دليل: رو به فنا و زوال بودن هر حادثي از حوادث عالم
	26. بالندگي حوزه: پيشرفت و يک قدم جلو رفتن و آفاق تازه‌اي را کشف کردن
		1. استوارتر كردن استدلال‌هاي علمي
		2. گشودن افق‌هاي نوين در خود علم و يا در محصولات علمي
	27. ضرورت زنده، سالم و قوي ماندن حوزه علميه براي توانايي ترميم و بالندگي
	28. توجه مديران، فضلا و صاحب‌نظران حوزه به مديريت تحوّل در حوزه براي حفظ جهت صحيح
	29. نگريختن از تحوّل
	30. تحول، سنت آفرينش الهي و امري اجتناب‌ناپذير
	31. هجرت علماي بزرگ به حوزه‌هاي تعطيل شده و احياي آن‌ها
	32. اغتنام فرصت فراهم شده براي اصلاح حوزه به برکت انقلاب و رهبري همه جانبه امام بزرگوار
		1. امروز اين مشکلات قابل علاج است؛ ديروز نبود و فردا هم ممکن است قابل علاج نباشد
	33. مديريتي مطاع با نفوذ و انديشمند، شرط اساسي تحوّل حوزه
	34. استفاده از موجودي ارزشمند حوزه علميه قم در تحوّل
		1. در تحوّل نمي‌خواهيم تمام پايه‌هاي حوزه را به هم بريزيم
	35. كوشش همه حوزويان براي اصلاح و «مدرنيزه» کردن حوزه منطبق با نيازها
	36. «قبول درد»؛ اولين گام در مسير تحوّل حوزه
	37. «همتِ علاج»؛ دومين گام در مسير تحوّل حوزه
	38. «بيدار شدن روح کار در جوانان حوزه»؛ سومين گام در مسير تحوّل حوزه
	39. «مركز مديريت حوزه»؛ به طور مشخّص متصدّي و سر رشته‌دار تحوّل در حوزه
	40. اعتماد و به کارگيري فضلاي جوان در روند اصلاح حوزه
		1. فضلاي جوان: طلبه‌هاي داراي سن 35 تا 45 و حدود 7 سال درس خارج رفته‌
		2. استفاده از ديدگاه هاي نسل جوان حوزه
	41. نقش طلاّب جوان در تحوّل حوزه: خوب درس خواندن، رعايت اخلاق، اصل دانستن تديّن در زندگي و الگو قرار دادن بزرگان در آداب زندگي و خلقيات عبادي و عملي
	42. تبيين نقص‌ها و راه‌حلّ‌ها براي بزرگان و فضلاي حوزه
	43. استفاده از پيشرفت‌هاي روز در حوزه
	44. برگزاري سمينار؛ بهترين قالب بررسي مسائل حوزه
	45. هماهنگي با مراجع تقليد و استفاده از نظرات ايشان در اصلاح حوزه
	46. ايجاد عزم جمعي براي سامان‌دهي حوزه
	47. تسريع در آغاز مقدمات تحوّل با توجه به تدريجي بودن اصلاح حوزه
	48. يافتن مرجحات و ملاکات واقعي يک طلبه، براي ساماندهي شهريه
		1. آيا مبنائاً بايد به هر كس كه وارد حوزه شد شهريه پرداخت كرد؟

# موضوع علم در حوزه

* 1. قطع دانش در صورت قطع سؤال
	2. زحمت ندادن استاد براي توليد فكر نو از آفات نظام آموزشي وارداتي از اروپا
	3. آسيب درس گفتن بدون مطالعه
	4. عدم امكان فنّان شدن در همه علوم
		1. مثال: سرآمد نبودن شيخ طوسي و علاّمه حلّي در همه علوم
		2. مثال: مسلّط‌تر بودن نجاشي در رجال از شيخ طوسي
		3. مثال: ضعيف‌تر بودن كتب علاّمه [حلّي] در فلسفه از كتب ابن سينا
	5. عدم كفايت فقه و اصول براي تبليغ دين در عصر حاضر
	6. بي‌دفاعي نظام در برابر شبهات فلسفه‌هاي وارداتي در صورت محروميت از فلسفه اسلامي
	7. ضرورت ملزم شدن حوزه به لوازم علم‌محوري
	8. ضرورت پرسش‌زا بودن مجموعه علم‌محور
		1. گشاده‌رويي در برخورد با پرسش‌ها
		2. برخورد در ميدان علمي علي‏رغم احترام فراوان به اساتيد
		3. ضرورت برخورد علمي با طرح اشكال و شبهه و مسأله جديد
		4. عدم جواز سكوت در برابر اشتباه علمي به دليل احترام گذاشتن
	9. ايجاد فضاي آزاد‌انديشي به عنوان خاصيت علمي بودن
		1. آزاد بودن فكر براي اهل فكر و كساني كه صلاحيت اظهارنظر دارند
		2. وجود آزادانديشي در حوزه امروز مانند گذشته، حتي بيشتر
		3. ضرورت توسعه آزادانديشي و گسترده‌تر شدن دامنه آن
	10. ترويج خودباوري و اعتماد به نفس علمي
		1. خودباوري فضلاي حوزه در تضارب آراء
		2. خودباوري فضلاي حوزه در كيفيت حركت علمي
	11. حفظ انصاف در برخورد با مسائل علمي
	12. جديت در كار علمي و رهانكردن دنباله كار علمي
	13. ارتباط فعّال با جامعه ملّي درون كشور و جامعه فراملّي
		1. ارتباط با حوزه‌هاي علميه داخلي و خارجي
		2. ارتباط با حوزه‌هاي علميه اهل سنّت در كشورهاي ديگر
			1. ارتباطات تعريف شده از مراكز معيّن
			2. بي‌معنا بودن ارتباطات شخصي در عصر حاضر
	14. سركوب نشدن آراء مخالف مشهور
		1. ضرورت پرهيز از سركوب كردن آراء شاذ
		2. پرهيز از روش‌هاي غيرعلمي در ردّ نظر مخالف
			1. روش علمي: استدلال و پاسخگويي به روش اقناع عقلي
			2. روش غيرعلمي: تكفير و تفسيق و اعلان خروج از دين و خروج از مذهب
	15. همراه شدن آموزش در حوزه با تفكر، تكرار و تحقيق
		1. حذف برنامه‌هاي حفظ‌گرايي از نظام آموزشي حوزه
		2. امتحان استاد از شاگرد پيش از آغاز درس نسبت به درس جلسه قبل
		3. اتخاذ روش‌هايي براي وادار كردن طلبه به فكر، به خصوص در دروس سطح
		4. عدم جمود بر متون فعلي حوزه و تهيه متون متناسب با زمان
	16. پژوهش‌محور بودن حوزه
		1. عدم انحصار پژوهش حوزوي در فقه و اصول
		2. ضرورت و نياز مبرم به ايجاد تنوّع در علوم حوزوي
		3. ضرورت حفظ منزلت علمي هر استادي در رشته خودش
	17. نترسيدن از شيوه‌هاي نو در آموزش
	18. ضرورت طبقه‏بندي علوم حوزوي
		1. اولويت‌بندي، رتبه‌بندي و ارزش‌گذاري بر اساس سنجش با نيازهاي روز
	19. عدم مانعيت رواج ساير علوم در حوزه براي رشد فقه
	20. دقيق بودن ارزشيابي تحصيلات
		1. ضرورت كامل خواندن كتاب‌هاي درسي بدون حذف
		2. عدم سهل‌انگاري و اغماض در امتحانات
	21. آزاد گذاشتن شيوه‌هاي آموزشي در حوزه
		1. به رسميت شناختن همه شيوه‌هاي آموزشي در حوزه
	22. توجه به اهميت فلسفه در حوزه
		1. باقي‌ماندن پرچم فلسفه اسلامي در دست حوزه
	23. توجه به اهميت تفسير قرآن در حوزه
	24. تحجّر؛ بلاي اصلي حوزه علميه
	25. بي‌انعطاف معرفي‌كردن احکام دين از سوي دشمن براي محروم كردن بشر از فيض شريعت
	26. آثار سوء مخالفت با فلسفه در گذشته حوزه علميه قم؛ محدود بودن گستره تفکّرات فلسفي در بين علماي دين
	27. برخورد نامناسب با شبهات؛ سبب اتّهام به حوزه
	28. بي‌توجهي به قرآن در حوزه‌هاي علميه
		1. انزواي قرآن، موجب تنگ‌نظري در حوزه علميه
	29. عدم گسترش کافي و لازم علم کلام؛ حقيقتاً يك فاجعه است
	30. موفقيّت دشمنان پيشرفت فرهنگي ملت ايران در ترويج فلسفه غرب در كشور
	31. اصرار بر غناي علمي کتب فعلي؛ تنها غناي علمي كافي نيست!
	32. اصرار بر کارآمدي کتب درسي فعلي در تربيت عالمان بزرگ
	33. توهّم ناتواني علمي علماي امروز جهت توليد کتب درسي
	34. دل بستگي بعضي حوزويان به برخي کتب درسي
	35. هدر رفتن بعضي از استعدادها در حوزه
	36. مدرک زدگي آفت مدرک است، طلبه براي مدرک درس بخواند عيب بزرگي است
	37. شناسايي و پاسخ‌گويي به خلأهاي فکري طلاّب
	38. ايجاد اعتماد به نفس علمي در طلاّب
	39. ايجاد صلاحيت‌هاي لازم براي مقابله با بحران‌هاي فکري در ميان اعضاي حوزه
	40. ضرورت توجه به نخبگان رشته‌هاي غير‌فقهي در حوزه، مانند: فلسفه و کلام
		1. ايجاد منزلت حوزوي و اجتماعي، براي محقّقان تمامي علوم اسلامي
	41. توجه به علمي بودن مجموعه روحانيت شيعه برخلاف خيلي از مجامع روحاني دنيا
	42. هويت علمي حوزه: پرورشگاه عظيم تربيت علماء در همه رشته‌هاي مورد نياز مردم يا رشته‌هاي مورد نياز براي اداي تكليف
	43. توليد فکر، تحکيم مباني اسلامي، ايستادگي در مقابل شبهه‌هاي دشمنان حاکميت اسلامي؛ اساسي‌ترين وظيفه حوزه‌هاي علميه
	44. ترويج آزادانديشي؛ به معناي تحمّل نظر مخالف
		1. اجازه دهيد حرف زده شود، سپس با استدلال ردّ کنيد
		2. آزادانديشي؛ يک شعار مظلوم در جامعه ما
		3. تفاوت ميان آزادانديشي و بي‌بندوباري
	45. تفکيک ميان اصول‌گرايي و تحجّر
		1. اصول‌گرايي: پذيرفتن اصول مستدلّ منطقي، پايبندي به آن و تطبيق رفتارهاي خود با آن اصول
	46. توجه به لبّ فقاهت؛ فهم حقيقت دين و بيان آن به مردم
	47. فقاهت؛ دانش اصلي روحانيت
	48. تطوّر فقه؛ يكي از اركان فقاهت به معناي ديد باز فقيه در شناختن سؤال‌هاي زمانه
	49. وحدت فقه سنّتي و فقه پويا؛ فقه پويا همان فقه سنّتي است
		1. پويا: علاج‌کننده مشکلات انسان و پاسخ‌گوي حوادث واقعه
		2. سنّتي: داراي شيوه و متد اجتهاد، شيوه‌اي كه قرن‌ها معمول بوده و کارايي خود را نشان داده
	50. گستره فقه اسلامي: تنظيم تمامي روابط انسان با جامعه و خداوند، گسترده‌تر از علم حقوق
		1. علم حقوق فقط متکفّل تنظيم روابط ميان افراد جامعه بشري
	51. شريعت اسلامي، جاري در عرصه‌هاي زندگي و براي تمامي زمان‌ها و مکان‌ها
	52. توجه بيشتر به احاديث اهل بيت(ع) به عنوان مادر اکثر علوم اسلامي
		1. ضرورت توجه به حديث در حوزه‌هاي علميه
		2. نيازهاي امروزين پژوهش در احاديث اهل بيت(ع)
			1. تدقيق و جداسازي سره از ناسره و راست از دروغ و مسلم از مشکوک
			2. تأمل در فهم معضلات و مفاد و مضمون‌هاي اساسي در آن
			3. تطبيق يا نسبت‌يابي حديث با کلام الله عزيز حکيم
			4. شرح و بسط عالمانه و محققانه احاديث
			5. نشر و همگاني کردن آنچه همگان را به کار خواهد آمد
	53. زمينه مساعد آزادانديشي در حوزه علميه
		1. نقادي؛ يكي از محورهاي اصلي حوزه علميه
	54. برخورد فعّال با جريانات فکري جهان
		1. تعامل با افکار روز دنيا؛ وظيفه مجموعه حوزه
	55. ضرورت توجّه به تمامي رشته‌ها در حوزه
		1. رشته‌هاي اصلي حوزه؛ فقه: ستون فقرات حوزه، كلام: پايه حوزه،‌ فلسفه: لازمه حتمي حوزه
	56. اهتمام به رشته‌هاي غير فقهي علوم اسلامي؛ تفسير، حديث، فلسفه، كلام، رجال و…
		1. ايجاد رشته‌هاي مستقل علوم اسلامي؛ كلام و…
		2. وجود علم قرآن، شناسايي قرآن، فهم قرآن و انس با قرآن به عنوان يك رشته علمي در حوزه
		3. توجّه عميق به قرآن در حوزه‌هاي علميه
		4. آشنا شدن طلاّب با تاريخ اسلام و تاريخ معاصر در برنامه درسي حوزه
		5. ضرورت توجه جدي به کلام
		6. توجه به فلسفه اسلامي، در کنار کلام
			1. نياز به فلسفه هنگام رويارويي با فلسفه‌هاي غربي
			2. تعليم و ترويج فلسفه اسلامي در برابر موج فلسفه‌هاي غربي
			3. ايجاد مرکزيت فلسفه، در حوزه علميه قم
			4. تأسيس انجمن فلسفه در حوزه علميه قم، مستقل از مركز مديريت حوزه
			5. استفاده از فضاي مساعد کنوني براي ترويج فلسفه
			6. توجه به معنويت در ترويج و توسعه فلسفه اسلامي؛ عارف بودن فلاسفه اسلامي
				1. تقويت فلسفه ملاصدرا؛ راه تلفيق معنويت با فلسفه
			7. تأمين زيرساخت‌هاي اعتقادي قبل از ورود به فلسفه، راه نلغزيدن در فلسفه
		7. توجه به اشتراکات فلسفه و کلام و عرفان، ذيل عنوان علوم عقلي
	57. اطلاع از پيشرفت‌هاي جهاني، در حوزه‌هاي مرتبط با علوم اسلامي
	58. پيش رفتن حوزه به سمت تخصّصي شدن علوم
	59. توجه به چارچوب‌هاي نوآوري و نوانديشي
		1. چارچوب تفکر ديني
		2. چارچوب ارزش‌هاي حوزوي
		3. چارچوب روش‌هاي علمي
	60. نوآوري بايد بر اساس اقتضائات و نيازهاي جامعه باشد
	61. فراهم كردن روح تطور علمي و فقهي در حوزه
	62. حمايت از علما و فضلاي صاحب نوآوري
	63. ايجاد جرأت علمي در نسل جوان حوزه
	64. آزادانديشي در چارچوب اسلام، بهترين راه علاج هرج و مرج فرهنگي
	65. ايجاد محيط‌هاي باز، براي پرورش افکار
	66. پرورش روحيه پرسشگري و تحقيق در طلاّب
	67. تشكيل کرسي‌هاي نظريه‌پردازي، پاسخ به سؤالات و شبهات و نقد و مناظره در حوزه
	68. تفکيک ميان آزادفکري و برخورد با افکار منافقانه
		1. پاسخ دادن به افكار منافقانه و پرهيز از سكوت علمي
	69. عزم جمعي در حوزه، براي جنبش نرم‏افزاري
	70. تبديل توليد نظريه و فکر به ارزش عمومي در حوزه
	71. درس خواندن؛ اولين وظيفه طلبه
		1. خدمت به دين متوقف بر تحصيل دانش دين
	72. تلاش براي سامان‌دهي نظام آموزشي در حوزه
	73. تكميل نظام آموزشي حوزه در راستاي مأموريت‌ها و مسئوليت‌ها اصلي حوزه
		1. احراز مسند افتاء و تربيت انسان‌هاي صالح براي افتاء
		2. تربيت مدرس
		3. انجام تحقيقات براي پيشرفت‌هاي علمي
		4. مسأله قضاء در جامعه
		5. مسأله تبليغ
	74. استفاده از ابزارها و روش‌هاي جديد در آموزش
	75. برگزاري دوره‌هاي کوتاه‌مدت آموزشي
	76. برگزاري اردوهاي کوتاه‌مدّت براي آشنايي طلاّب با مسائل و نيازهاي جامعه
	77. کوتاه و کارآمد شدن نظام درسي حوزه
		1. كاهش دوره مقدمات، حداكثر پنج سال پس از گرفتن ديپلم، ورود به درس خارج
		2. كتبي مانند «مغني» يا «مختصر» ادبيات استدلالي است براي اجتهاد در ادبيات، نه براي طلبه
		3. دو سال ادبيات، سه سال هم فقه و اصول و كلام و سپس ورود به درس خارج
		4. هدف از دوره سطح: استاد درس خارج مجبور نباشد هر مسأله را از اوّل براي طلبه بگويد
		5. «مكاسب» كتاب خارج است، نه سطح
	78. طرح مباحث کاربردي و پرهيز از مطالب غير لازم در دروس خارج
	79. مطالعه کتابهاي شهيد مطهري توسط همه طلاّب و همه اهل منبر
	80. استفاده از آثار شهيد مطهري براي توليد انديشه‌هاي جديد
	81. آموزش زبان خارجي به طلاّب؛ براي فهميدن اصطلاحات فرنگي
	82. ضابطه‌مند کردن و كاهش تعطيلات تحصيلي در حوزه
	83. تقسيم بندي طلاب بر حسب اهداف
		1. عده‌اي مستعد داراي شوق فقاهت تربيت شوند به عنوان فقيه و مجتهدي بزرگ
		2. تعدادي عالم شهري در حدّ متوسط؛ قريب‌الاجتهاد و مجتهد متجزّي
		3. عده‌اي به عنوان منبري و مبلّغ، نويسنده و گوينده عالم و فاضل
		4. بعضي براي تبليغ در خارج از كشور و توزيع در سطح دنيا
	84. فعاليت جمعي و گروهي در تأليف کتب درسي جديد
	85. برنامه‌ريزي ويژه براي استعدادهاي درخشان حوزه
	86. اعطاي مدرک درون‌حوزوي، نه به اعتبار وزارت علوم
		1. اعتبار حوزه عميق‌تر، ثابت‌تر و مهم‌تر از اعتبار هر وزارتي است
	87. توجه به تحقيق و نوآوري در روش‌هاي ارزيابي تحصيلي حوزه
		1. ريز نشدن در جزئيّات براي بازنماندن طلبه از مسائل اصلي
	88. تأسيس مدارس پيش‌حوزوي
	89. قرآن؛ از جمله موادّ درسي
	90. آشنايي اجمالي با اعتقادات؛ از جمله مواد درسي
	91. توجه ويژه به تريبت فقها از سوي مديريت حوزه به عنوان محور اصلي حوزه
	92. تکامل و معرفي سنن تحصيلي حوزوي، مانند: مباحثه

# موضوع اخلاق و تهذيب در حوزه

* 1. احتياج حوزه علميه به نصايح و ذكر مسائل معنوي
	2. عدم تحقق اهداف حوزه بدون اخلاص و دوري از هواپرستي و دنياطلبي
	3. ناممكن بودن خاشع كردن دل بشر معاصر بدون خاشع بودن دل خودمان
	4. نياز جوان امروز به تهذيب بيش از گذشته
	5. وضع نظام مادي امروز دنيا علّت بي‌حوصله و افسرده شدن جوانان
	6. پدايش عرفان‌هاي كاذب و استقبال توسط جوانان
	7. ضربه زدن زياده‌روي در احساسات انقلابي به انقلاب
		1. انحراف بودن اهانت به مراجع به نام دفاع از انقلاب
	8. اهميت بيشتر تهذيب در حوزه قم نسبت به شهرستان‌ها
	9. بي‌فايده بودن درس حرفه‌اي اخلاق
	10. بي‌فايده بودن عرفان نظري براي تهذيب
	11. ضرورت استفاده طلاّب جوان از درس اخلاق بزرگان حوزه
	12. پرهيز از دسته‏بندي‌هاي گوناگون و هياهو سر مسائل كوچك
	13. عدم منافات تفاوت نحله‌هاي تهذيبي در حوزه با اصل تهذيب
	14. ترويج عرفان عملي به جاي عرفان نظري
	15. ترويج گرايش‌ها واحساسات انقلابي در حوزه
		1. پرهيز از افراطي‌گري در حركت انقلابي
	16. ضرورت يافتن راهكارهاي نو براي تهذيب
		1. وادار كردن بخش تهذيب حوزه به يافتن راهكارهاي نو
	17. آشنا كردن طلاّب با بزرگان اهل تهذيب و اخلاق
	18. انتشار كتب شرح حال و نوشته‌هاي اهل تهذيب
	19. متصل كردن طلبه به منابع اخلاقي و معرفتي
	20. تأثير بيشتر طرح بحث اخلاق توسط استاد در كنار درس
	21. جريان يافتن عرفان عملي و سلوك براي تهذيب طلاّب
	22. همت براي نمازشب‌خوان كردن طلبه‌ها
	23. تلاش دشمن براي ايجاد اختلاف بين روحانيون و ترويج گرايش به دنيا
	24. ناتواني از خدمت به اسلام در صورت مهذّب نبودن روحاني
		1. روحاني اگر به خودش نرسد از نظر معنوي، به مردم هم نمي‌تواند برسد
	25. خطر علم بدون تهذيب
	26. تخدير شدن بعضي عمامه‌به‌سرها به حدّي كه ثقل عمامه را حسّ نمي‌كنند
		1. اگر علم باشد و تقوا نباشد، صد رحمت به آنجايي که علم نيست
	27. اگر در حوزه شور علمي بود امّا خلأهاي نظام را پر نكرد، بايد به تهذيب توجّه کرد
	28. خلف وعده با خداي متعال، عامل بروز نفاق
		1. تدريجي بودن پيدايش نفاق در دل
	29. غرور؛ اوّلين آفت روحانيت پس از انقلاب اسلامي
		1. باور كنيم امتيازي داريم و از مردم توقّعاتي پيدا کنيم
	30. اعتماد مردم به روحاني؛ ضرورت توجه بيشتر روحاني به تهذيب
	31. حرص به دنيا و عدم تورّع از محرّمات؛ دو آفت بزرگ طلبه
	32. خودسازي؛ سرلوحه وظايف هر روحاني
	33. نقش روحانيت در جامعه، هدايت و دست‌گيري معنوي
		1. هدايت معنوي جامعه نيازمند داشتن هويت و منش يک روحاني
		2. اخلاص و صدق علماي دين، عامل حرکت جامعه در مسير الهي
		3. معنويت، اصلي‌ترين عامل تأثيرگذاري در مخاطبان
		4. هدايتگري جامعه، نيازمند تهذيب نفس
		5. تقدّم تهذيب نفس بر تهذيب جامعه
	34. ريشه تأثيرگذاري روحانيت: جريان معنوي، روي خوش، دلسوزي، استغناي نفس، بي‌اعتنايي به تشريفات و زر و زيورها و هر آن‏چه مال دنياست
	35. ضرورت پولادين و تأثيرناپذير بودن طلاّب از لحاظ اخلاقي و روحي براي مقابله با فساد دنياي امروز كه به همه مناطق عالم سرريز مي‌شود
	36. انس طلبه با دعا، ذکر و مناجات
	37. الگو گرفتن از امام(ره) به عنوان نمونه تأثير تهذيب بر طلبه
		1. تهذيب نفس امام، موجب رهبري شگفت‌انگيز او در انقلاب اسلامي
	38. مسئوليت مضاعف ملبّسان به لباس روحاني نسبت به ساير طلاّب
		1. بعضي از گردن‌ها زير بار عمامه مي‌شکنند، به جهت زياد بودن ثقل معنوي عمامه
		2. عالم دين اگر معمّم هم نباشد مسئوليت دارد، امّا اگر باشد، اين مسئوليت مضاعف است
	39. توجه به دوران جواني به عنوان فرصتي مساعد براي تهذيب نفس
		1. اجتناب از گناه، پرهيز از موارد شبهه، تذکّر مستمرّ و نمازهاي پنجگانه؛ راه حفظ شفّافيت جواني
	40. استفاده از فضا و ميراث معنوي حوزه علميه براي ارتقاء تهذيب در حوزه
	41. جدّي گرفتن درس اخلاق و تهذيب توسط بزرگان حوزه براي جوانان مستعد
	42. بهره‌گيري از فرصت‌هاي ويژه معنوي براي تهذيب نفس، مانند: ماه رمضان
	43. تلاش براي استحکام معنوي جامعه روحانيت
	44. نگاه حکومتي به اخلاق
		1. تفاوت مسأله اخلاق در دوران حاکميت اسلام
	45. ضرورت مضاعف توصيه جامعه به زهد در زمان فعلي، به دليل سير جامعه به سمت تموّل و ازدياد ثروت در کشور
	46. ساده‌زيستي و بي‌رغبتي به ظواهر و مظاهر فريبنده دنيا؛ نشانه علما در تاريخ
	47. التزام طلبه به لوازمات و اقتضائات طلبگي
		1. پرهيز از تجمّل‌گرايي
		2. گذشتن از بسياري لذّت‌هاي مادّي
		3. رعايت زيّ طلبگي؛ پارسايي با عزّت، نظم در تحصيل و زندگي
	48. متضادّ نبودن نفي گرايش به دنيا، با فعاليت و تلاش در زندگي
	49. آمادگي حوزه در برابر بحران‌هاي ناشي از تهاجم فرهنگي در جامعه
		1. کافي نبودن دروس حوزه، براي ايجاد آمادگي در برابر تهاجم فرهنگي
		2. توليد فکر براي مقابله با تهاجم فرهنگي
		3. تبليغ، مؤثّرترين ابزار حوزه براي مقابله با تهاجم فرهنگي

# موضوع تعامل حوزه و نظام

* 1. مغالطه: بر سر كار بودن حكومت آخوندي در ايران
	2. مغالطه: تقسيم آخوند به حكومتي و غيرحكومتي
	3. هدف دشمن: محروم كردن نظام از پشتوانه عظيم فكري علماي دين
	4. هدف دشمن: منزوي كردن روحانيت مسئول و انقلابي
	5. مغالطه: قطع رابطه حوزه با نظام به عنوان استقلال حوزه
	6. عدم امكان فعاليت حوزه بدون كمك بيت‌المال
	7. تبيين عدم قبح ذاتي رفتن به سمت حكومت
		1. برترين مصداق امر به معروف بودن رفتن به سوي حكومت با هدف معنوي
	8. ترويج مفاهيم ارزشي جايگزين براي «حكومت آخوندي» و «آخوند حكومتي»
		1. احتياج نظام به علماي دين از لحاظ نظري و علمي
		2. عدم بي‌تفاوتي حوزه و روحانيت به نظام ديني
		3. موظف بودن نظام به حمايت از روحانيت
		4. «حمايت» و «نصيحت» نسبت روحانيت با نظام اسلامي
		5. «حمايت متقابل» حوزه و نظام از يكديگر
	9. توجه به گره خوردن جريان نظام اسلامي با جريان حوزه‌هاي علميه
		1. يكي بودن سرنوشت هر دو
		2. لطمه خوردن نظام سبب خسارت روحانيت و علماي دين
	10. عدم تنافي حمايت نظام از حوزه با استقلال حوزه
		1. تبيين تفاوت وابستگي با حمايت و همكاري
	11. مديون بودن نظام به حوزه
		1. ضرورت كمك كردن نظام به حوزه
		2. ضرورت اداره معيشت طلاّب توسط وجوهات مردمي و عدم مداخله نظام در آن
		3. تأمين هزينه‌هاي ديگر حوزه غير از معيشت طلاّب توسط نظام
			1. موظف بودن دولت‌ها به پرداخت اين هزينه‌ها
			2. پرداخت هزينه‌ها بدون دخالت
		4. اعمال پشتيباني‌هاي غيرمالي از حوزه مانند در اختيار گذاشتن تريبون‌هاي ملّي
	12. وسوسه بدخواهان براي جلوگيري از طرح پيشنهادات اصلاحي به بهانه وابسته شدن حوزه به دولت
	13. احتياج نظام و حکومت الهي به معارف و مقررات اسلامي در عرصه عمل
	14. عدم توجه بعضي مدعيان دين‌داري به ديني بودن قوانين نظام اسلامي
	15. ضايع شدن روحانيت در صورت بي‌اعتنايي و بي‌مبالاتي در قبال حكومت
	16. تضعيف حكومت اسلامي در صورت بي‌اعتنايي روحانيت به حكومت
	17. نيازمندي‌هاي نظام به حوزه
		1. دستگاه قضايي در زمينه فقهي
		2. دستگاه اجرايي و قانون‏گذاري
		3. دانشگاه‌ها، نيروي نظامي، كارخانه‌ها و تمام قشرهاي ملّت
		4. نياز نظام به يك فرد پرورده اين حوزه در رأس خود
	18. دشواري راه‌هاي پيش‏روي نظام در حفظ ارزش‌ها سبب نياز بيشتر به حوزه
	19. زمين ماندن وظايف نظام اسلامي در صورت عادت روحانيون به گريز از خطر و سختي
	20. فعال بودن روحانيون، شرط لاينفکّ بقاي انقلاب و استقلال کشور
	21. خطا بودن داشتن موضعي مشابه دستگاه‌هاي حكومتي گذشته در قبال دستگاه جمهوري اسلامي
		1. آن‏ها دستگاه‌هاي ظلم بودند؛ اما دستگاه جمهوري اسلامي دستگاه عدل اسلامي است.
		2. سه نوع موضع‏گيري روحانيون نسبت به دستگاه‌هاي قدرت؛ وابستگي، بي‌تفاوتي، مبارزه
			1. نامعقول بودن اين سه نوع موضع‏گيري در قبال نظام جمهوري اسلامي
	22. عدم دفاع حوزه از تشيّع، اعتقاد، انقلاب و اسلام به صورت مدرن و طبق نيازهاي امروز
	23. ضعيف‌ترين و کم‌کارترين انقلاب‌ها بودن اين انقلاب با اين عظمت از لحاظ ارائه مباني فکري خود
		1. عدم توليد آثاري در تبيين مباني اسلامي بعد از گذشت يازده سال از انقلاب
		2. تربيت نكردن صدها نويسنده اسلامي براي تبيين مباني اسلام
		3. توجه بيشترين مسئوليت اين كار به حوزه علميه و بيش از همه قم
	24. بي‌اعتنايي و بي‌تفاوتي بعضي روحانيون نسبت به انقلاب و نظام
	25. نشانه زهد و علم دانسته شدن بي‌اعتنايي به حكومت اسلامي در گوشه و كنار حوزه
	26. عدم تغيير شيوه بعضي روحانيون در تبليغ، منبر و نويسندگي قبل و بعد از انقلاب
		1. انگار نه انگار انقلابي پديد آمده و اسلام، قرآن و شريعت اسلامي احياء شده است
		2. بي‌تفاوتي نسبت به نظام و تيز و دقيق بودن نسبت به بعضي از اشكالات و نارسايي‌ها
	27. تأييد شدن بي‌ارزش‌ترين دشمنان نظام توسط بعضي در حوزه به بهانه وجود فلان نقص در نظام
	28. غيرمنطقي بودن گفتار: «يا مثل حکومت اميرالمؤمنين(ع) و پيغمبراکرم(ص) باشد يا اصلا نباشد!»
	29. امكان وابستگي و ركود نظام در صورت نادرستي سياست‏گذاري يك روحاني (رهبر) نماد نقش قدرتمند حوزه در نظام اسلامي
	30. وجود انگيزه‌هايي که مي‌کوشد حوزه را نسبت به نظام اسلامي بي‌اعتنا يا بدبين سازد
	31. وجود انگيزه‌هايي که مي‌کوشد نظام اسلامي را نسبت به حوزه بي‌اعتنا يا بيگانه بدارد
	32. عدم دستيابي نظام به هدف‌هاي تشکيل خود، در نبود پشتوانه حوزه و ذخيره عظيم آن
		1. هدف نظام: اعتلاي کلمه اسلام و گسترش تفکر اسلامي به اقصا نقاط عالم و تعميق آن در اذهان و ارواح مردم خودمان و بقيه مسلميني که مخاطب ما هستند
	33. برخورد با كساني كه در مقابل هر حرف اصلاحي براي حوزه ايجاد وسوسه مي‌كنند
	34. حفظ عدم وابستگي مالي حوزه علميه به دستگاه‌هاي قدرت به عنوان عامل بقاي حوزه
	35. انحصار تغذيه مالي روحانيون از منابع مالي مردمي
	36. توجه به مرهون انقلاب اسلامي بودن جوهر حيات و رشد و بالندگي حوزه علميه در اين دوران
	37. بازگشت به عرصه اجتماعي، حق انقلاب بر حوزه
	38. رابطه حوزه علميه و نظام اسلامي، رابطه اي دو جانبه و مبتني بر تعاون
	39. دفاع حوزه از نظام حتي اگر از كسي كه در رأس نظام است خوششان نيايد
		1. پرچم اسلام بودن اين نظام در عصر حاضر
	40. پشيتبان بودن حوزه براي نظام جمهوري اسلامي در عين جدا بودن و استقلال
	41. ايجاد احساس مسئوليت در حوزه نسبت به نيازهاي فكري اداره نظام اسلامي
		1. تحقيق و تنقيح تفکرات، بينش‌ها و مقرّرات مورد نياز نظام
		2. پاسخ دادن به استفهامات موجود درباره تفكرات حاكم بر اداره نظام
	42. تنظيم و تدوين مقررات اسلامي و نظام ارزشي اسلام و اخلاق عمومي و ارائه الگوي زندگي اسلامي متکي به مدارک قطعي شرع توسط حوزه
	43. پرهيز از تضعيف نظام به بهانه بعضي كاستي‌ها و تخلّف‌ها
		1. تلاش براي اصلاح مفاسد از طرق معقول
	44. توجه به نقش آبروي تاريخي روحانيت در ايجاد اعتماد در مردم براي پيروزي نظام اسلامي
	45. توجه به شرايط خاص جامعه شيعه در عصر حاضر
		1. جامعه علمي شيعه در طول تاريخ، به قدر امروز، از لحاظ کميت، بزرگ نبوده
		2. از لحاظ قدرت، به قدر امروز، کارآمد و صاحب قدرت سياسي و اجتماعي نبوده
		3. به قدر امروز، تمکّن مالي و امکانات مرغوب جامعه؛ رسانه، منبر و مطبوعات نداشته
	46. روي آوردن به «فقه حکومتي» و استخراج احکام الهي در همه شئون يک حکومت
		1. نظر به همه احکام فقهي با نگرش حکومتي
		2. ملاحظه تأثير هر حکمي از احکام در تشکيل جامعه نمونه و حيات طيبه اسلامي
	47. مقابله با انديشه جدايي حوزه و نظام اسلامي
	48. هشياري نشان دادن حوزويان و مسئولان نظام به انگيزه‌هاي تفرقه‌افكنانه
	49. ايجاد مرکزيت منسجم در حوزه، براي امکان تعامل با دستگاه‌هاي نظام
	50. ايجاد مراکز تحقيقاتي متعدّد در حوزه براي تعامل با نظام
	51. موظف بودن هر روحاني به مقتضاي تلبس به اين لباس به دفاع از حکومت اسلام و حاکميت قرآن
	52. تبديل حمايت و دفاع از نظام اسلامي به هدف و جهت کلي روحانيت

# موضوع نقش حوزه در ارتقاء فرهنگ جامعه و مردم

* 1. وجود عيب در صداوسيما علي‌رغم تلاش‌هاي نهاد رهبري
	2. بازگشت نقص صداوسيما به حوزه
	3. كار رسانه‌اي نبودن حضور روحانيت در صداوسيما علي‏رغم نمايش دائم روحانيت در شبكه‌ها
	4. نبود مجموعه مشاورين روحاني‌اي كه قادر به جهت‌دهي صداوسيما باشند
		1. فقدان علمايي كه هم هنر را بفهمند و هم لزوم هنر در صداوسيما را
		2. علمايي كه چگونگي بروز و تحقق انحراف در بيان هنري را بدانند
		3. راه جلوگيري از اين انحرافات را هم بدانند
	5. وجود اشكالاتي در مجموعه آموزش و پرورش
		1. مانند شبكه بودن آموزش و پرورش و شاخ و برگ داشتن از تهران تا اعماق روستاها
		2. عدم حضور روحانيت در اين شبكه
	6. اهميت بيشتر مسائل فرهنگي نسبت به مسائل سياسي و اقتصادي به دليل هجمه فرهنگي عليه نظام
		1. صادر نشدن كار جدّي از حوزه براي مواجهه با اين تهاجم فرهنگي
		2. عدم كفايت تأليف كتاب به تنهايي براي مواجهه
	7. كم‌كاري حوزه سبب رشد نحله‌هاي منحرف
	8. حاضر نبودن بزرگان امروز حوزه به نوشتن كتاب‌هاي فارسي
	9. امكان بي‌دين شدن دانش‏آموز از طريق كتاب فيزيك و رياضيات
	10. آماده نبودن حوزه براي كمك به آموزش و پرورش در شرايط حاضر
	11. جبهه‌گيري حوزه عليه تهاجم فرهنگي
	12. حوزه علميه بخشي از جبهه در برابر تهاجم فرهنگي
	13. ضرورت توجه به نوع نگارش كتاب و توانايي براي تأثيرگذاري
	14. توليد نرم‌افزارهاي مورد نياز براي حل مشكلات فرهنگي توسط حوزه
	15. تزريق ايمان ديني منطقي و استوار در بدنه هنرمندان براي اصلاح صداوسيما
	16. نوشتن كتاب‌هاي به زبان فارسي براي ترويج دين
		1. مثال: «حق‌اليقين»، «حيات‌القلوب» و «حليةالمتقين» علاّمه مجلسي
		2. مثال: كتاب اعتقادات محقق اردبيلي
	17. تأسيس رشته تعليم و تربيت در حوزه
	18. تربيت متخصص تعليم و تربيت براي به‏كارگيري در شبكه آموزش و پرورش
	19. توليد كتاب‌هاي ديني و غيرديني براي آموزش و پرورش با توجه به مخاطب بيشتر آن از صداوسيما
		1. امكان ارائه درس توحيد در كتاب فيزيك و رياضيات
	20. تربيت ديني معلّم براي خدمت در آموزش و پرورش
	21. بي‌تفاوت بودن نسبت به جامعه و بي‌اعتنايي به کج‌روي‌ها و انحراف‌ها
	22. بي‌تفاوتي؛ دشمن بزرگ تعهّد و رسالت عالمان دين و روشن‌فکران و آگاهان در جامعه
	23. عدم امكان اسلامي كردن رفتارهاي مردم بدون عمق‌بخشي عقايد و باورهاي ذهني
	24. دل خوش بودن به كارهاي كوتاه‏مدت و غفلت از طرح‌هاي بلندمدت در اسلامي كردن دانشگاه
	25. بي‌اطلاعي حوزه از تعداد عناوين كتاب‌هايي كه مورد نياز جامعه است
	26. ايمان مذهبي مردم؛ آماج تهاجم دشمنان اسلام
		1. ايمان مذهبي مردم به عنوان حصار و منبع اين نظام
	27. وجود بحران‌هاي فكري و عقيدتي در جامعه امروز
		1. به طور عمده در ميان جوان‌ها و علي‌الخصوص در بين دانشگاه‌ها
	28. عدم توجه و باور بسياري از بزرگان حوزه نسبت به وجود بحران فكري و عقيدتي در جامعه
	29. زياد بودن عوامل جدايي جوانان از روحانيون
		1. باقي ماندن رسوب تبليغات زياد عليه روحانيت در گذشته
		2. برخوردهاي عجيب و غريب و بداخلاقي‌هاي گوناگون روحانيت با جوانان
		3. تقويت جدايي جوانان از روحانيت توسط دشمن
		4. افزايش روز به روز فاصله جوانان از روحانيت در صورت عدم توجه به اين مطلب
	30. توجه به نيازهاي جامعه و مردم در فعاليت‌هاي حوزه علميه
		1. مردم؛ فلسفه وجودي حوزه علميه و عدم نياز به اين تعداد فقيه در صورت نبودن مردم
	31. مبادلات نسبت به مسائل جهان پيرامون؛ اوّلين لازمه جامعه علمي و مذهبي شيعه
	32. تربيت معلّم ديني مدارس آموزش و پرورش در حوزه؛ هر زمان كه حوزه توان آن را داشته باشد
	33. ارائه طرح‌هاي كوتاه‏مدت و بلندمدت براي اسلامي كردن دانشگاه‌ها توسط حوزه
	34. داشتن شرح صدر و تواضع در برخورد روحانيت با جامعه
		1. مردمي بودن و برخورد اخلاقي مهم‌ترين ابزار جذب براي روحانيت
	35. تفهيم بحراني بودن جامعه از نظر مسائل فكري و عقيدتي براي آقايان مراجع و بزرگان حوزه
	36. ايجاد هماهنگي در نيروهاي حوزوي براي مقابله با افکار غلط در جامعه
	37. منظّم شدن ارتباط حوزه با جوانان و به خصوص نسل جوان تحصيل‌کرده

# موضوع نقش حوزه در تحوّل علوم انساني

* 1. مبتني بودن علوم انساني بر جهان‌بيني
	2. مضر بودن علوم انساني رايج در كشور
	3. ابتناء اين علوم انساني بر جهان‌بيني متفاوت از جهان‌بيني اسلام
		1. مبتني بودن علوم انساني رايج بر تفكرات پوزيتيويستي قرن پانزده و شانزده اروپا
	4. پرورش اساتيد داراي نگاه غيراسلامي توسط علوم انساني رايج
	5. جايگزين شدن نظريات غربي در صورت عدم ورود متخصصان ديني به مسائل اداره نظام
	6. عدم امكان مديريت نظام بدون وجود نظريات علمي
	7. خطر علوم انساني دانشگاه‌ها در تربيت مديران بر اساس مباني خود
	8. در رأس دانشگاه و نظام قرار گرفتن اين مديران غرب‌زده
	9. ضرورت تحوّل در علوم انساني
	10. پايه‌ريزي مستحكم علوم انساني مبتني بر تفكر اسلامي و جهان‌بيني اسلام
		1. مشابه كار آقاي مصباح و تشكيلات ايشان در اول انقلاب
	11. آشنايي حوزه با علوم انساني رايج براي توانا شدن در پايه‌ريزي علوم انساني جديد
	12. تشکيل يک هسته آگاه و کارآمد؛ واجب‌ترين کار براي ايجاد تحول در علوم اسلامي و انساني

# موضوع ارتباط حوزه با جهان اسلام

* 1. مغالطه: تشويق حوزه به گوشه‌نشيني براي كاهش دشمني‌ها
		1. منجر شدن گوشه‌نشيني به حذف
		2. آسيب ديدن دين با گوشه‌نشيني روحانيت
		3. عدم سكوت دشمنان دين با سكوت دشمنان روحانيت
	2. تداوم تجاوز دشمنان دين در صورت بي‌طرف‌ماندن حوزه‌هاي علميه
	3. استكبار جهاني و در رأس آن آمريكا و فعّال‌ترين آن اسرائيل؛ دشمن دينداري امروز
	4. ضرورت بي‌طرف نماندن حوزه‌هاي علميه در قبال حوادث
	5. ضرورت شناخت دشمن گسترش دين و تعميق دينداري
	6. دست كم نگرفتن مسأله قرآن‌سوزي
	7. دست كم نگرفتن مسأله كاريكاتورهاي عليه نبي مكرم اسلام
	8. دست كم نگرفتن دستگاه عظيم فيلم‌سازي هاليوود در راستاي اسلام‌ستيزي
	9. ضرورت عدم سكوت حوزه در برابر استكبار و موضع داشتن در برابر آن‌ها
	10. توجه داشتن و پرهيز از كارهايي كه كمك به دشمن است
	11. ضرورت پاسخگويي به نيازهاي نوبه‌نو جهاني
		1. تبيين معرفت‌شناسي اسلام
		2. تفكر اقتصادي و سياسي اسلام
		3. مفاهيم فقهي و حقوقي پايه‌اي در اقتصاد و سياست
		4. نظام تعليم و تربيت
		5. مفاهيم اخلاقي و معنوي
		6. ناظر بودن پاسخ‌ها به انديشه‌هاي رايج جهاني
	12. جدا نبودن مسائل حوزه از مسائل کل جامعه، کشور، جهان و بلکه مسائل تاريخ
	13. ارتباط قهري حوزه و روحانيت با پيرامون خود
	14. عدم امكان مفيد بودن روحانيت در صورت نشناختن زمان
		1. ندانيم استکبار چه مي‌خواهد بکند
		2. دشمنان ما چه کساني هستند
		3. دشمنان ما از کجا نفوذ مي‌کنند
		4. متوجّه نباشيم در جامعه چه مي‌گذرد و چه مشکلاتي وجود دارد
	15. عدم قدرت حوزه بر ايفاي نقش خود در صورت بي‌اطّلاعي از جبهه‌بندي‌هاي امروز جهان
	16. گم كردن جبهه در صورت نداشتن قطب‌نما و در نتيجه تيراندازي به نيروهاي خودي
	17. پيشگام نبودن علماي دين؛ دليل ناموفق بودن بسياري از نهضت‌هاي جهان
	18. اسلام؛ هدف بزرگ‌ترين دشمني‌هاي شياطين در جهان امروز
	19. تحت ظلم بودن اكثريت انسان‌ها در جهان امروز
	20. نبودن مكتبي در جهان معاصر براي تعليم انسان‌ها به جنگ با شيطان زر و زور
		1. دقيق شدن سياست استعماري در عدم تحريك حسّ ناسيوناليسم عليه خود
	21. در تقابل بودن جامعه اسلامي و دين اسلام با اهداف استعماري غربي‌ها
	22. استکبار جهاني؛ بزرگ‌ترين خطر تهديدكننده اسلام و مسلمين
	23. بيدار شدن دشمنان جبهه اسلام و كسب تجربه در مقابله با انقلاب اسلامي
	24. سه راه دشمنان براي حذف روحانيت از جامعه
		1. از بين بردن روحانيت (محال)
		2. همراه كردن روحانيت با خود (محال)
		3. منقطع کردن و نفي نفوذ معنوي روحانيت در بين مردم
	25. توجه حملات دشمن به ريشه‌كن كردن نظام اسلامي
		1. حمله به نظريه حكومت اسلامي
		2. حمله به مباني اسلام
		3. حمله به قانون اساسي
		4. تهاجم فکري و نظري به برخي از بخش‌هاي برجسته و شاخص نظام اسلامي
	26. آسيب ديدن قدرت ايماني مردم سبب آسيب ديدن نظام
		1. وابستگي و تكيه نظام اسلامي به قدرت ايماني مردم
	27. مخدوش كردن حكومت اسلامي و ولايت فقيه توسط دشمنان اسلام
		1. با تشبيه كردن به حكومت كليسا و حكومت‌هاي سلطنتي
	28. ايجاد مسائل جديد فقهي و کلامي در جامعه شيعه
	29. جديد بودن مسائل حكومت براي شيعه به دليل عدم كسب تجربه حكومت‌داري در گذشته
	30. در خلأ و فضاي بدون معارض قرار گرفتن تبليغات دشمن؛ دليل موفقيّت او
	31. كم‌كاري حوزه از نظر كيفي و كمّي در مقابل تهاجم نظري دشمنان
	32. افزايش قدرت تهاجمي دشمن به دليل پيشرفت شيوه‌هاي انتقال فکر
		1. تلويزيون، راديو، وسايل الکترونيکي، اينترنت و ديگر وسايل ارتباطاتي امروز در دنيا
	33. با مشكلات بزرگ مواجه بودن حوزه در مقابله با تهاجم نظري دشمن
		1. از جنس روز بودن شبهات القايي به اذهان جوانان توسط دشمن
		2. متغاوت شدن وظايف حوزه و روحانيت نسبت به گذشته به دليل تنوّع وسايل تبليغ
		3. دريافت شدن افکار، تصوّرات، تخيلات، پيشنهادهاي فکري و پيشنهادهاي عملي در اين طرفِ دنيا توسط يک جوان پاي يک دستگاه کوچک از آن طرفِ دنيا
		4. قرار گرفتن حوزه در يک ميدان جنگ و کارزار حقيقي فکري
	34. تلاش دشمنان براي طرح شبهه انحصار دين در مسائل فردي
	35. عدم‌ پاسخ‌گويي حوزه به شبهات جهاني عليه شيعه
	36. ارتباطات سريع در دنيا؛ سبب انتقال سريع هر حرف و شبهه‌اي به نقاط ديگر دنيا
	37. کسب روشن‌بيني و روشن‌فکري و حفظ و تقويت اراده و همّت و خستگي‌ناپذيري در حوزه
	38. ارتقاء بصيرت حوزويان به معناي قدرت تحليل سياسي و فهم سياسي
		1. بايد بفهميم: دشمن کيست؟ دوست کيست؟
	39. توجه به انحصار نجات بشر در اسلام ناب، قرآن کريم و احكام الهي
	40. بي‌اطلاعي مردم دنيا از نجات‌بخش بودن اسلام، قرآن و احكام الهي
	41. لزوم پيکار نظري و ايجاد يک حرکت علمي در مقابله با حملات نظري دشمن
		1. توليد و تبيين و تدوين فکر؛ کار حوزه‌هاي علميه
	42. مبارزه نظري با شبهات وارد به نظريه حكومت اسلامي و ولايت فقيه
	43. تدوين احكام و مسائل اداره کشور و در اختيار عموم قرار گرفتن آن
		1. روابط اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي، ارزشهاي اجتماعي و سياسي در جامعه اسلامي
	44. توجه به نقاط برتري حوزه نسبت به دشمن
		1. در ميان مردم بودن
		2. به زبان مردم حرف زدن
	45. بيرون كشيدن ملزومات مقابله با دشمن از مهمّات تفکّر اسلامي و انبارهاي معارف الهي
	46. به سود ما بودن اين کارزار فکري، در صورت ورود به ميدان جنگ نظري
	47. آماده شدن حوزه علميه در برابر موج مباحث جديد در جهان
		1. در جريان نظرات و ايده‌هاي جديد مطرح شده در دنيا بودن، مثلاً در مقوله جامعه‏شناسي
		2. جذب فكرهايي كه عناصر مطلوبي به شمار مي‌روند
		3. آماده كردن دفاع مناسب در برابر عناصر نامطلوب انديشه در جهان
	48. برنامه‌ريزي براي آماده‏سازي نيروي انساني مورد نياز در جنگ نظري
		1. افرادي براي شناسايي مسائل مطروحه روز در دنيا، در زمينه‌هاي گوناگون
		2. افرادي براي تحقيق، تدقيق و نوآوري در مسائل روز دنيا
		3. مجموعه‌هايي براي بحث علمي به شکل تطبيقي
			1. مقايسه فقه با حقوق رايج دنيا
			2. مقايسه مباحث فلسفي ما با مباحث فلسفي رايج عالم
			3. مقايسه مباحث کلامي ما با مباحث کلامي رايج عالم و فلسفه‌هاي دين
	49. ارتباط منضبط علمي حوزه قم با حوزه‌هاي جهان اسلام با استفاده از وسائل نوين ارتباط جمعي
	50. تقريب فکري و عملي، در مجامع علمي جهان اسلام
	51. برخورد فعّال با جريانات فکري جهان
	52. داشتن موضع تهاجمي و تبييني با جريانات فكري جهان به جاي موضع تدافعي
	53. مطلع شدن حوزه از پيشرفت‌هاي جهاني در همه مسائل مرتبط با علوم اسلامي